

شناسایی زن‌کشی با بهره‌گیری از چهارچوب آماری سازمان ملل: بررسی امکان‌سنجی انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت به‌منظور آگاهی‌دادن برای پیشگیری^۱

میرنا داوسون،^۲ هالی‌کالا انگوس،^۳ آنجلیکا زخا^۴

مترجم: مینا صالحی

چکیده

طبق گزارش دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۵۵ درصد از زنان و دختران به‌قتل‌رسیده در سال ۲۰۲۲، به‌دست شریک عاطفی یا اعضای خانواده‌شان کشته شده‌اند؛ این زمینه‌ها حاکی از زن‌کشی است. نسبت ۴۵ درصد باقی‌مانده از زنان و دختران به‌قتل‌رسیده که با عناصر مرتبط با جنس یا جنسیت درگیر بوده‌اند، تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است. علت این امر آن است که ابزارهایی برای جمع‌آوری داده‌های با کیفیت مطلوب و حساس به جنسیت وجود ندارد و تلاش‌های نظام‌مند برای مستندسازی بیشتر و دقیق‌تر زن‌کشی بسیار اندک است. در جوامع به‌حاشیه‌رانده‌شده و نژادپرستانه، اطلاعات مربوط به زن‌کشی بیشتر تحت تأثیر ساختارها قرار می‌گیرد؛ زیرا بسیاری از این مرگ‌ها در داده‌های رسمی برای زنان و دخترانی که در تقاطع نژاد، فقر، توانایی، جنسیت و سایر هویت‌های اجتماعی زندگی می‌کنند (و می‌میرند) نامرئی باقی می‌مانند. این مقاله با بهره‌گیری از چهارچوب آماری بین‌المللی که اخیراً منتشر شده، برای اندازه‌گیری قتل‌های مرتبط با جنسیت زنان و دختران، وجود انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت را در یک نمونه‌کانادایی بررسی می‌کند و داده‌هایی را از اطلاعات در دسترس عموم استخراج می‌کند. یافته‌های مربوط به امکان‌سنجی مستندسازی انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت، به‌طور کلی و برای گروه‌های خاصی از زنان و دختران مورد بحث قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: داده‌ها، زن‌کشی، زن‌کشی نهادی‌شده^۵، شاخص‌ها، اندازه‌گیری.

۱. مقدمه

در سطح جهانی، استفاده از واژه «زن‌کشی» یا «زن‌کشی نهادی‌شده»^۶ برای جلب توجهات به این موضوع که چرا و چگونه زنان و دختران کشته می‌شوند که از چگونگی کشته‌شدن مردان و پسران متمایز است،

^۱. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/02680809241237440>

^۲. Myrna Dawson

^۳. Haleakala Angus

^۴. Angelika Zecha

^۵. ترجمه واژه femicide است که غالباً همان زن‌کشی ترجمه می‌شود و معادل femicide در نظر گرفته می‌شود. اما در واقع این واژه به نوعی از زن‌کشی اشاره دارد که پشتوانه‌های قانونی و قضایی دارد. بنابراین برای این واژه، معادل «زن‌کشی نهادی‌شده» انتخاب شد؛ چراکه در بعضی جوامع در حال توسعه، زن‌کشی به قدری در عرف و فرهنگ و سنت جامعه نهادینه شده است که در قانون و پس‌زمینه ذهن قانون‌گذاران و مجریان قانون نیز رسوخ و نفوذ کرده است. (م)

^۶. این اصطلاح بسته به نواحی مختلف جهان متفاوت است. در این مقاله واژه زن‌کشی استفاده خواهد شد؛ زیرا معمولاً در شمال جهانی که این مطالعه در آنجا انجام شده است، استفاده می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد تکامل این اصطلاحات، رجوع کنید

به: Dawson and Mobayed Vega, ۲۰۲۳.

افزایش پیدا کرده است (Dawson & Mobayed Vega, ۲۰۲۳). با تمرکز بر عناصری از زن‌کشی که با جنس و جنسیت مرتبطاند، این اصطلاح در قوانین حقوقی و کیفری یا مجلس قانون‌گذاری در برخی کشورها، در درجه اول در جنوب جهانی، به‌ویژه آمریکای لاتین، گنجانده شده است. در مقابل در شمال جهانی از جمله کشورهایمانند اتریش، کانادا، بریتانیا و ایالات متحده برای مثال، فعالان فمینیست و محققان برای تسری دادن این اصطلاح به قلمرو عمومی اقداماتی کرده‌اند؛ اما تاکنون مشارکت و همکاری بسیار کمی از طرف دولت‌ها در هر سطحی دریافت کرده‌اند. در این کشورها، رسانه نیز به‌طور گسترده‌ای در مقابل استفاده از این واژه مقاومت کرده است که همین امر مانع بزرگی بر سر راه توسعه حرفه‌ای آموزش و آگاهی عمومی در خصوص زن‌کشی است؛ زیرا رسانه برای پیشگیری اولیه، مکانیزمی کلیدی است (Fairbairn et al., ۲۰۲۳).

همراه با جنبش حقوق بشری جهانی و فزاینده استفاده از «زن‌کشی» برای اشاره به قتل زنان و دختران به‌دلیل جنس یا جنسیتشان (Dawson and Mobayed Vega, ۲۰۲۳a, ۲۰۲۳b)، گفتمان‌ها و بحث‌هایی در این مورد شکل گرفته است که زن‌کشی چگونه باید تعریف شود، از چه منظرهایی با دیگر انواع قتل تمایز دارد، آیا این تفاوت‌ها قابل اندازه‌گیری‌اند و اگر قابل اندازه‌گیری هستند، چگونه می‌توان این تفاوت‌ها را سنجش کرد (Dawson and Carrigan, ۲۰۲۱; Mujica and Tuesta, ۲۰۱۴; Walby et al., ۲۰۱۷; Walklate et al., ۲۰۲۰; Weil et al., ۲۰۱۸). پاسخ به این پرسش‌ها، دست‌کم به‌دلایل زیر، حیاتی است:

۱. تولید و درک مؤثر آمارها و الگوهای زن‌کشی داخل کشورها و نیز مقایسه میان کشورها؛
۲. توسعه راه‌های پیشگیرانه اثرگذارتر شامل مجازات‌های مناسب؛
۳. بالابردن آگاهی و افزایش آموزش شامل آموزش پیشرفته‌تر برای کسانی که به خشونت مرتبط با جنس یا جنسیت علیه زنان و دختران پاسخ می‌دهند.

توانایی ما برای انجام این کار نیز برای کمک به دستیابی به هدف ۵ از اهداف توسعه پایدار^۷ سازمان ملل متحد ضروری است؛ به ویژه بند دوم آن «از بین بردن خشونت علیه زنان و دختران: از بین بردن همه اشکال خشونت علیه تمامی زنان و دختران در حوزه‌های عمومی و خصوصی، از جمله قاچاق و استثمار جنسی و انواع دیگر».

حتی اگر بتوان بر پارامترهای تعریفی برای زن‌کشی به توافق نظر رسید، با وجود این، مطالعات تجربی کمی وجود دارد که شیوع این پدیده را بررسی کرده باشند. علت این امر مربوط می‌شود به کمبود داده‌های قابل اعتماد و متمرکز بر پیشگیری که این عناصر مبتنی بر جنس یا جنسیت را نشان می‌دهند. یک مطالعه با تمرکز بر تقریباً ۵ هزار قتل طی چندین دهه در یکی از استان‌های کانادا، برای جداسازی ترکیب‌های جنسیتی قاتل و قربانی، سودمندی آن چیزی را ارزیابی کرد که آن‌ها به‌عنوان «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت»^۸ از آن یاد می‌کنند (Dawson and Carrigan, ۲۰۲۱). هدف آن‌ها طبقه‌بندی هر مورد به‌عنوان قتل یا زن‌کشی نبود، بلکه تعیین الگوهایی برای حضور انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس یا جنسیت بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که این انگیزه‌ها و شاخص‌ها در قتل‌هایی که مرتکب آن‌ها مرد و قربانی زن بوده، رایج‌تر بودند: قتل‌هایی که بیشتر با تعریف زن‌کشی مطابقت دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» برای تشخیص زن‌کشی به‌مثابه نوع

^۷. Sustainable Development Goals (SDGs)

^۸. sex/gender-related motives and indicators (SGRMIs)

متمایزی از قتل مفیدند. با این حال، در دسترس بودن اطلاعات برای ثبت مداوم حضور این انگیزه‌ها و شاخص‌ها به‌علت نسبت بالایی از داده‌های از دست‌رفته ضعیف بود؛ همان‌طور که در برخی از مثال‌های زیر که نویسندگان مطالعه شناسایی کرده‌اند، نشان داده شده است.

برای نمونه، علی‌رغم اینکه تحقیقات نشان داده‌اند «به‌تازگی جداشدن» عاملی اثرگذار بر زن‌کشی شریکان عاطفی است، اطلاعات مربوط به این متغیر در ۶۶ درصد از موارد، جزو داده‌های از دست‌رفته بود؛ این مورد نسبتی مشابه را با سایر ترکیبات جنسیتی نشان می‌دهد که احتمال کمتری دارد متغیر اثرگذار برای آن‌ها باشد. به‌علاوه، تجاوز جنسی نیز در بیشتر قتل‌هایی که مردان قاتل و زنان مقتول‌اند (۲۸ درصد)، در مقایسه با سایر ترکیبات (علی‌رغم افزایش احتمال حضور آن در قتل‌های مرد قاتل و زن مقتول) جزو داده‌های از دست‌رفته بود. در نهایت به‌طور کلی، نسبت اطلاعات از دست‌رفته برای شاخص‌های حادثه در مقایسه با شاخص‌های قربانی، مرتکب و پیش از حادثه تا حدودی کمتر بود. نگارندگان معتقدند که این امر نوعی پشتیبانی تجربی از این واقعیت است که تمرکز تحقیقات بیشتر روی خود حوادث باقی می‌ماند تا زمینه روابط گسترده‌تر و شرایط محیطی که به‌ویژه برای زن‌کشی شریک عاطفی، و چه‌بسا برای همه انواع زن‌کشی، مشکل‌ساز است. یکی از دلایل این شکاف‌های میان داده‌ها از این واقعیت ناشی می‌شود که ویژگی‌های زن‌کشی و کسانی که درگیر این موضوع‌اند، معمولاً کانون تلاش‌های رسمی گردآوری داده‌ها نیستند؛ به‌ویژه زمانی که مرتکبین در پی زن‌کشی خودشان هم خودکشی می‌کنند یا زمانی که پرونده حل‌نشده باقی می‌ماند. این مسئله به‌ویژه در کشورهای به چشم می‌خورد که زن‌کشی در آن‌ها بخشی از چهارچوب قانونی نیست. علاوه بر این، ابزارهای گردآوری داده‌ها معمولاً متغیرهای مربوط به قتل مردانه را در اولویت قرار می‌دهند که تمرکز اولیه بسیاری از تحقیقات و ابزارهای فعلی گردآوری داده بود. بنابراین، اطلاعات دقیق‌تر برای تعیین وجود «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» اغلب وجود ندارد؛ به‌ویژه برای برخی از انواع زن‌کشی و برخی از گروه‌های زنان و دختران. در نتیجه، دولت‌ها معمولاً داده‌هایی را که می‌تواند به پیشگیری از زن‌کشی و سایر اشکال خشونت‌های جنسی یا جنسیتی مردان علیه زنان و دختران کمک کند، جمع‌آوری نمی‌کنند و این امر وضعیت زندگی زنان و دختران را در معرض خطر قرار می‌دهد. مضاف بر این، لازم است دولت‌ها به‌جای نیازهای اداری دولتی بر پیشگیری، به‌عنوان اولویت گردآوری داده، تأکید کنند (Dawson and Carrigan, ۲۰۲۱). در انجام این کار، می‌توان از یک تعریف استاندارد شده و مورد قبول همگان جهت گردآوری داده در سراسر اجتماعات، مناطق و کشورها استفاده کرد و در عین حال، برای انعکاس حساسیت‌های منطقه‌ای نیز امکان انعطاف‌پذیری تعریف را فراهم کرد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان و علل و پیامدهای آن، از سال ۲۰۱۵ نیاز به داده‌های دقیق متمرکز بر زن‌کشی را برجسته کرده و درخواستش را از کشورهای عضو چنین مطرح کرده است:

ایجاد دیده‌بان‌های زن‌کشی یا رصدخانه‌های خشونت علیه زنان که باید داده‌های مربوط به زن‌کشی و قتل مرتبط با جنسیت زنان را گردآوری کرده و با کمک هیئت‌های بررسی بین‌رشته‌ای، به‌منظور شناسایی شکاف‌ها در سیستم مداخله، همه پرونده‌های زن‌کشی را تجزیه و تحلیل کنند؛ از جمله تصمیمات دادگاه، سیستم عدالت کیفری و آیین دادرسی کیفری و همچنین عوامل خطر برای پیشگیری و محافظت از زنان و دختران در برابر این قتل‌ها (Academic Council on the United Nations System), ۲۰۱۷: ۱.

این شکاف‌های داده‌ای را همچنان فعالان، محققان و دولت‌ها برجسته می‌کنند (برای نمونه‌های اخیر به این موارد رجوع کنید: Zecha, Illesinghe et al., ۲۰۲۳; Collectif Féminicides Par Compagnons ou Ex et al., ۲۰۲۳).

۲۰۲۳). et al. چهارچوب آماری سازمان ملل که به‌تازگی به‌منظور اندازه‌گیری قتل‌های جنسیتی زنان و دختران (زن‌کشی/زن‌کشی نهادی‌شده) منتشر شده است، این پتانسیل را دارد که دست‌کم با توجه به داده‌های جهانی سازگارتر، ما را به این سمت سوق دهد. این مطالعه برای بررسی امکان‌سنجی چهارچوب آماری برای اندازه‌گیری قتل‌های جنسی/جنسیتی زنان و دختران با تعیین شیوع عوامل شناسایی‌شده، داده‌هایی را از یک پایگاه داده ملی در کانادا استخراج می‌کند.

۲. مفهوم‌سازی زن‌کشی و زن‌کشی نهادی‌شده

اصطلاح زن‌کشی را نخستین بار در سال ۱۹۷۶ دایانا راسل، پیشگام فمینیست و فعال اجتماعی، هنگام شهادت در اولین دادگاه بین‌المللی جنایات علیه زنان در بلژیک معرفی کرد. راسل متخصص خشونت جنسی و سوءاستفاده از زنان و دختران بود. این اصلاح بعدها در مجموعه‌هایی که راسل با کمک همکارانش ویرایش کرد، (Radford and Russell, ۱۹۹۲; Russell and Harnes, ۲۰۰۱)، اینگونه تعریف شد: «کشتار زن‌ستیزانه زنان به‌دست مردان» (Radford, ۱۹۹۲: ۳)؛ «افراطی‌ترین شکل تروریسم جنسیتی با انگیزه نفرت، تحقیر، لذت یا احساس مالکیت بر زنان» (Caputi and Russell, ۱۹۹۲: ۱۵)؛ «کشتن زنان به‌دست مردان به این دلیل که زن هستند» (Russell, ۲۰۰۲, ۲۰۱۲: ۳, ۱۴ respectively). عناصر تعریفی زن‌کشی بعد از تقریباً ۵۰ سال با تغییراتی در ظاهر و اثره، مانند «زن‌کشی نهادی‌شده» برای جلب همدستی دولت از طریق انفعال یا مصونیت از مجازات برای مجرمان، همچنان محل بحث و مناقشه‌اند (Fregoso and Lagarde de los Ríos, ۲۰۱۰; Lagarde de los Ríos, ۲۰۱۰; Beja and Bejarano, ۲۰۱۰). به هر حال، توافق در مورد شرایط و زمینه‌های نشان‌دهنده زن‌کشی به مرحله اجماع رسیده است؛ زیرا همگان پذیرفته‌اند که «چگونگی» و «چرایی» زن‌کشی نوع متمایزی از قتل است که پژوهش‌ها (Dawson and Mobayed, ۲۰۲۳) و همچنین سه سند منتشرشده اخیر که در ادامه بحث می‌شود، نیز آن را نشان داده است.

سه سند به‌شکل چشمگیری به این مباحث کمک کرده‌اند که براساس دهه‌ها تحقیق و فعالیت فمینیستی، عمدتاً در علوم اجتماعی و حقوق، تأکید می‌کنند که چگونه زن‌کشی و همچنین اشکالی از خشونت مردان علیه زنان و دختران که به مرگ منجر نمی‌شود، رخداد‌های مجزا نیستند؛ بلکه بازتاب‌دهنده الگوهای فرهنگی مستتر در نگرش‌ها و رفتارهایی است که ناشی از زن‌ستیزی فردی و سیستماتیک است که بر برتری مردان و فروتری زنان تأکید می‌کند. بدین ترتیب، هر توضیحی برای خشونت مردان علیه زنان و دختران باید شامل دیدگاهی جنسیتی باشد که امکان تلاقی ظلم‌ها و تبعیض‌هایی را هم فراهم کند که از این نگرش‌ها و رفتارها ناشی می‌شود و توسط آن‌ها حفظ می‌شود (برای نمونه نژادی، جنسیتی، سنی و توانمندی). این سه سند عبارت‌اند از:

۱. براساس مجموع فعالیت‌های فمینیستی و تحقیقات، اولین سند منتشرشده، پروتکل مدل آمریکای لاتین برای تحقیق درباره قتل‌های مرتبط با جنسیت زنان (زن‌کشی/زن‌کشی نهادی‌شده؛ از این پس «پروتکل») است که چگونگی این پدیده را مستند می‌کند. زن‌کشی را می‌توان با بررسی زمینه‌های پیرامون زن‌کشی و انواع فرعی آن (مانند زن‌کشی شریک عاطفی، زن‌کشی خانوادگی) شناسایی کرد. درحالی‌که این پروتکل به‌طور خاص تحقیقات قانونی را هدف قرار می‌دهد، به‌مثابه نقطه آغازین برای محققانی عمل می‌کند که مایل‌اند زن‌کشی در داخل و بین کشورها را بهتر مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری کنند.

۲. دومین سند منتشرشده «قانون نمونه بین‌آمریکایی در مورد پیشگیری، مجازات و ریشه‌کنی قتل زنان و دختران براساس جنسیت» است (Femicide/Feminicide; Organization of American States, ۲۰۱۸). قانون نمونه

با تکیه بر قوانین خاص کشور موجود، همچنین زمینه‌ها و شرایطی را مشخص می‌کند که در آن زن‌کشی رخ می‌دهد و به‌مثابه مبنایی عمل می‌کند که براساس آن چنین قتل‌هایی احتمالاً توسط سایر حوزه‌های قضایی در نظر گرفته شوند که مایل‌اند زن‌کشی را به‌عنوان نوع متمایزی از قتل به رسمیت بشناسند. این دو سند همچنین به این موضوع می‌پردازند که چرا لازم است کشورها زن‌کشی را جرمی متمایز در نظر بگیرند و راه‌های مختلفی را که برای پیشگیری از این پدیده می‌توان انجام داد، بررسی می‌کنند.

۳. در آخرین و تازه‌ترین سند، دفتر مواد مخدر و جرم و جنایت سازمان ملل متحد و برابری جنسیتی سازمان ملل برای توانمندسازی زنان (UNODC, ۲۰۲۲ UNEGEEW and)، با استفاده از حجم وسیع تحقیقات و همچنین مشاوره‌های تخصصی، چهارچوبی آماری برای اندازه‌گیری قتل‌های مرتبط با جنسیت زنان و دختران (زن‌کشی/زن‌کشی نهادی‌شده) طراحی کرده است. این چهارچوب با «طبقه‌بندی بین‌المللی جرائم برای اهداف آماری»^۹، مطابقت دارد که طبقه‌بندی جرائم جنایی براساس مفاهیم، تعاریف و اصول مورد توافق بین‌المللی برای ارتقای سازگاری و مقایسه جهانی است (Bisogno et al., ۲۰۱۵).

این چهارچوب آماری ویژگی‌ها یا زمینه‌هایی را شناسایی می‌کند که شیوه‌های عمل یا شرایط نشان‌دهنده زن‌کشی را نشان می‌دهند (جزئیات بیشتر در بخش روش‌ها ارائه شده است). این چهارچوب همچنین داده‌های کلیدی‌ای را شناسایی می‌کند که کشورها می‌توانند برای به دست آوردن اطلاعات مرتبط و مناسب در مورد قربانیان، مجرمان و واکنش دولت‌ها به زن‌کشی و زن‌کشی نهادی‌شده جمع‌آوری کنند. این چهارچوب قرار است به این واقعیت پردازد که علی‌رغم اینکه این نوع قتل‌ها «افراطی‌ترین و وحشیانه‌ترین مظاهر خشونت علیه زنان» است و

همه مناطق و کشورهای جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، برخلاف سایر اشکال خشونت علیه زنان، هنوز یک رویکرد آماری استاندارد شده جهانی یا منطقه‌ای برای تعریف و تولید معیارهای مرتبط در خصوص این نوع از قتل‌های زنان و دختران وجود ندارد (۲: UNODC and UNEGEEW, ۲۰۲۲).

۳. مطالعه حاضر

۱.۳. منابع داده

این مطالعه از داده‌هایی ملی استفاده می‌کند که «رصدخانه زن‌کشی کانادا برای عدالت و مسئولیت»^{۱۰} که در سال ۲۰۱۷ تأسیس شد، برای جلب توجهات عینی و ملی به پدیده زن‌کشی در کانادا و در سطح جهان گردآوری کرده است (۲۰۲۳: Dawson et al., ۲۰۱۸; Dawson). داده‌ها از تاریخ قتل تا حل و فصل آن در دادگاه، البته اگر مرتکب خودکشی نکرده باشد، از منابع عمومی جمع‌آوری شده است که رسانه (برای مثال میزان پوشش حادثه، تحقیق و محاکمه) و اسناد قضایی (برای مثال اظهارات محکومیت، تصمیمات تجدیدنظر، جلسات استماع شواهد و... که به‌صورت علنی گزارش شده است) را شامل می‌شود. این منابع داده با کار بین‌المللی همسو است که راهبردهایی را شناسایی کرده است که می‌تواند در داخل و در سراسر کشورهای مختلف برای بهبود دسترس‌پذیری، جمع‌آوری و نظارت بر داده‌های مربوط به زن‌کشی اعمال شود (Vives-Cases et al., ۲۰۱۶). گروه‌های اولویت‌دار اقدامات شامل طیفی از راهبردها بود و براساس ارزیابی

^۹. International Classification of Crime for Statistical Purposes (ICCS)

^{۱۰}. Canadian Femicide Observatory for Justice and Accountability (CFOJA)

کارشناسان، «نهادی‌سازی پایگاه‌های اطلاعاتی ملی» مطلوب‌ترین گزینه بود؛ اما «پوشش رسانه‌ای» امکان‌پذیرترین گزینه رتبه‌بندی شد (۳۴: ۲۰۱۶، Vives-Cases et al.).

«رصدخانه زن‌کشی کانادا برای عدالت و مسئولیت» از داده‌های قضایی نیز استفاده می‌کند. اگر رسانه و داده‌های قضایی با یکدیگر در تضاد باشند (که بعید است)، اسناد قضایی منابع مشروع‌تری تلقی می‌شوند. به هر حال، با توجه به اتکای فزاینده به منابع رسانه‌ای، پژوهشگران کیفیت اطلاعات مستندشده در پوشش رسانه‌ای را با اطلاعات موجود در منابع رسمی مقایسه کرده‌اند. بر پایه این پژوهش، توافق کلی وجود دارد که روزنامه‌ها اطلاعات مربوط به وضعیت مربوط به یک قتل (یا زن‌کشی) را به همان اندازه یا بیشتر از آنچه در منابع داده‌های رسمی گنجانده شده است، شناسایی می‌کنند (Huff-Corzine et al., ۲۰۱۴; Parkin and Gruenewald, ۲۰۱۷; Shon and Lee, ۲۰۱۶). علاوه بر این، میان دو منبع داده از نظر اطلاعات و شرایط ذکرشده، شباهت‌هایی وجود دارد که سطح بالایی از توافق را برجسته می‌کند و قابلیت اطمینان را از طریق مثلث‌بندی داده‌ها افزایش می‌دهد.

در ادامه، نمونه کاملی از زنان و دخترانی را بررسی خواهیم کرد که در سال ۲۰۱۸ در کانادا به قتل رسیده‌اند. انتخاب این سال به این دلیل است که ۲۰۱۸ سال اول گردآوری داده‌ها توسط «رصدخانه زن‌کشی کانادا برای عدالت و مسئولیت» و نیز سالی است که کامل‌ترین اطلاعات برایش در دسترس است؛ چون در نظر داشتیم نتایج دادگاه و اسناد مرتبط حتماً در دسترس باشد. در ۲۰۱۸، ۱۶۹ مورد قتل زنان و دختران مستند شد. برای ۱۳ نفر از قربانیان (۸٪) هیچ متهمی در اسناد عمومی شناسایی نشد. درخصوص ۱۵۶ قربانی دیگر، متهم ۱۳۷ نفر از قربانیان (۸۸٪) مرد و متهم ۱۹ قربانی (۱۲٪) زن بوده است.

۲.۳. متغیرها

ده متغیر شناسایی‌شده در چهارچوب آماری سازمان ملل، که در این مقاله با عنوان «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» از آن‌ها یاد می‌کنیم، عبارت‌اند از:

۱. زنان و دختران کشته‌شده به‌دست شریک عاطفی؛
۲. زنان و دختران کشته‌شده به‌دست اعضای خانواده؛
۳. سابقه قبلی آزار یا خشونت؛
۴. محروم کردن غیرقانونی زن یا دختر از آزادی‌اش؛
۵. استفاده از خشونت و/یا شکستن یا فلج کردن اعضای بدن؛
۶. بی‌سرپناه رها کردن جسد در فضای عمومی؛
۷. خشونت جنسی رخ داده پیش و/یا پس از قتل؛
۸. شاغل بودن قربانی در صنعت سکس؛

۹. جرم ناشی از انگیزه تعصب و سوگیری علیه زنان و دختران؛

۱۰. قربانی اشکال بهره‌کشی غیرقانونی شدن (ر.ک: جدول شماره ۱).

نویسندگان این چهارچوب آماری با حمایت از گنجاندن دو زمینه اول، استدلال می‌کنند که «شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد بیشتر قتل‌های زنان و دختران که مرتبط با جنسیت است، توسط شرکای عاطفی فعلی یا پیشین یا سایر اعضای خانواده [دو شاخص اول] انجام می‌شود.» (UNODC and UNEGEW, ۲۰۲۲):
(۹) آن‌ها همچنین استدلال می‌کنند که این اشکال قتل مرتبط هستند با

نیاز به اعمال کنترل مرد یا تنبیه آنچه که رفتار زنانه ناپذیرفتنی تلقی می‌شود ... که در هنجارهای اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است ... و ممکن است در روابطی رخ دهد که در آن رابطه قدرت نابرابری بین قربانی و مرتکب وجود دارد ... [و] مرتکب جایگاهی از اقتدار یا مراقبت از قربانی زن را اشغال می‌کند (۹: UNODC and UNEGEW, ۲۰۲۲).

هشت شاخص باقی‌مانده از ده شاخص مرتبط با جنس یا جنسیت انواعی از زن‌کشی را در بر می‌گیرد که در زمینه‌هایی اتفاق می‌افتد که لزوماً شامل روابط عاطفی یا خانوادگی نیستند، اما دارای عناصر دیگری‌اند که نشان‌دهنده زن‌کشی است (ر.ک: جدول ۱). از میان این هشت ویژگی، یک مورد یا بیشتر ممکن است در قتل در میان تمام انواع روابط قربانی و مجرم، از جمله شریک عاطفی و اعضای خانواده، یافت شوند. این چهارچوب آماری توجهات را به این سو جلب می‌کند که چگونه هنجارهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی قادرند افراد را به سمت زن‌کشی هدایت کنند؛ زیرا این هنجارها با تبعیض و نفرت و کینه علیه زنان و دختران مرتبط‌اند و نماینده چنین تبعیض‌ها و دشمنی‌هایی‌اند.

جدول ۱: چهارچوب آماری سازمان ملل

ردی ف	زمینه/ ویژگی
۱	زنان و دختران کشته‌شده به‌دست شریک عاطفی (به‌بیان دیگر، زن‌کشی شریک عاطفی)
۲	زنان و دختران کشته‌شده به‌دست اعضای خانواده (به‌بیان دیگر، زن‌کشی خانوادگی)
۳	سابقه قبلی آزار یا خشونت
۴	محروم کردن غیرقانونی زن یا دختر از آزادی‌اش
۵	استفاده از خشونت و/ یا شکستن یا فلج کردن اعضای بدن
۶	بی‌سرپناه رها کردن جسد در فضای عمومی
۷	خشونت جنسی رخ داده پیش و/ یا پس از قتل

۸	شاغل بودن قربانی در صنعت سکس
۹	جرم ناشی از نفرت با انگیزه تعصب و سوگیری علیه زنان و دختران
۱۰	قربانی اشکال بهره‌کشی غیرقانونی شدن

در ادامه این مطالعه، برای هر یک از متغیرها شرح «دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد»^{۱۱} را به همراه فراوانی هر کدام ارائه خواهیم داد. از آنجا که کدگذاری برای بیشتر متغیرها ساده و سرراست بود، یک نویسنده کدگذاری کرد. اما زمانی که در مورد وجود «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» عدم اطمینان ایجاد شد، سه نویسنده در مورد اینکه آیا آن را لحاظ کنند یا خیر بحث کردند. برای مثال، در موردی که قربانی «با زور و علی‌رغم میلش سوار خودروی مجرم شد»، وجود شاخص «محروم کردن غیرقانونی زن یا دختر از آزادی‌اش» واضح بود. با وجود این، در خصوص بسیاری از متغیرها، به‌ویژه متغیر «جرم ناشی از نفرت با انگیزه تعصب و سوگیری علیه زنان و دختران»، به این سادگی و وضوح نبود. در نتیجه، دو مثال موردی گویا برای این متغیر در زیر آمده است. در کل، رویکردی محافظه‌کارانه اتخاذ شد مبنی بر اینکه فقط زمانی حضور «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» را کدگذاری کردیم که مدرک روشنی برایش در دست بود. بر این اساس و با توجه به این واقعیت که فقط منابع داده‌های عمومی بررسی شدند، نتایج این پژوهش کمترین حد برآوردهای حضور «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» در نظر گرفته می‌شوند. این موضوع را تصدیق می‌کنیم که اطلاعات بررسی‌شده براساس روایت‌هایی است که اشخاص ثالث (نه قربانیان) ارائه کرده‌اند. اما به هر حال، این موضوع در بسیاری از پژوهش‌های با موضوع قتل استاندارد است (Brookman et al., ۲۰۱۷; Smith and Zahn, ۱۹۹۹).

در حالی که متغیرهای بررسی‌شده جامع همه عواملی نیستند که می‌توانند قتل‌های زنان و مردان را از هم متمایز کنند (و اغلب هم می‌کنند)، اما به‌طور مداوم در سطح جهانی شناخته شده‌اند. ما حضور این متغیرها را در تمام نمونه‌های زنان و دختران کشته‌شده در سال ۲۰۱۸، شامل مجرمان زن و پس از آن صرفاً در نمونه متهمان مرد، بررسی می‌کنیم. این امر بررسی اولیه نقش نسبی «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» در قتل زنان و دختران به‌دست مجرمان زن و مرد را امکان‌پذیر می‌سازد. پس از تمرکز بر هر شاخص به‌طور جداگانه، به حضور ترکیبی آن‌ها نگاه می‌افکنیم که از آن با عنوان «سنجش جهانی» شاخص‌ها نام می‌بریم. علی‌رغم اینکه پروتکل اظهار می‌دارد: «درک اینکه آیا یک قتل مربوط به جنسیت است یا نه، به وجود شاخص‌های بیشتر یا کمتر بستگی ندارد.» (Sarmiento et al., ۲۰۱۴: ۶۸۹) همان‌طور که در مثال‌های توضیحی آشکار می‌شود، این شاخص‌های متعدد اغلب در هر موردی وجود دارند. استدلال ما این است که در نظر گرفتن دامنه کامل و ترکیبی حضور آن‌ها برای دستیابی به درک دقیق‌تری از زن‌کشی مهم است.

۴. یافته‌ها

^{۱۱}. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

شاخص ۱: زنان و دختران کشته‌شده به‌دست شریک عاطفی

این مفهوم معمولاً با عنوان «زن‌کشی شریک عاطفی» یا «زن‌کشی عاطفی» شناخته می‌شود. «طبقه‌بندی بین‌المللی جرائم برای اهداف آماری» در این دسته، چندین رابطهٔ قربانی و مجرم را شامل می‌شود که به این ترتیب است:

۱. همسر یا شریک عاطفی فعلی (همسر یا دوست‌پسر/ دوست‌دختر با یا بدون زندگی مشترک)؛
۲. همسر یا شریک فعلی دارای زندگی مشترک؛
۳. شریک فعلی بدون زندگی مشترک (دوست‌پسر/ دوست‌دختر یا شریک رابطهٔ سطحی بدون ازدواج)؛
۴. همسر یا شریک عاطفی سابق (همسر یا دوست‌پسر/ دوست‌دختر با یا بدون زندگی مشترک)؛
۵. همسر یا شریک قبلی دارای زندگی مشترک؛
۶. شریک سابق بدون زندگی مشترک (دوست‌پسر/ دوست‌دختر یا شریک رابطهٔ سطحی بدون ازدواج).

در مطالعهٔ حاضر، رابطهٔ میان قربانیان و متهمانشان، در مورد ۱۸٪ از قربانیان شناسایی نشد؛ زیرا پرونده‌شان حل‌نشده باقی ماند یا اگر به نتیجه رسید، رابطهٔ آن‌ها با یکدیگر مشخص نشد. با تمرکز بر قربانیانی که رابطهٔ آن‌ها با متهم مشخص بود (۱۳۹ مورد)، ۴۹٪ به‌دست یک شریک عاطفی شکاک کشته شدند (رک: جدول ۲). از میان آنان، تنها یک قربانی به‌دست شریک مؤنثش کشته شده بود. این امر نشان‌دهندهٔ این است که این نوع زن‌کشی تقریباً همیشه توسط شرکای عاطفی‌ای به وقوع می‌پیوندد که مرد هستند نه زن.

شاخص ۲: زنان و دختران کشته‌شده به‌دست اعضای خانواده

این نوع از زن‌کشی معمولاً با عنوان «زن‌کشی خانوادگی» شناخته می‌شود. «طبقه‌بندی بین‌المللی جرائم برای اهداف آماری» روابط میان مجرم و قربانی را که در زیر آمده است، بدین شکل دسته‌بندی می‌کند:

۱. خویشاوندان نسبی: والدین، فرزندان، خواهران و برادران، خویشاوندان خونی دیگر، خویشاوندان خونی دارای محل زندگی مشترک و خویشاوندان خونی بدون محل زندگی مشترک؛
۲. خویشاوندان سببی یا سایر اعضای خانواده که از طریق فرزندخواندگی وارد خانواده شده‌اند: والدین همسر، فرزندان خانوادهٔ همسر، دختران یا پسران همسر، فرزندخوانده‌ها، خویشاوندان دیگری که به‌واسطه ازدواج فامیل شده‌اند.

فقط با احتساب قربانیانی که رابطه آن‌ها با متهم مشخص شده است، ۱۷٪ از قربانیان به‌دست یکی از اعضای شکاک خانواده کشته شده‌اند (این آمار شامل شریک عاطفی نمی‌شود. ر.ک: جدول ۲). با تمرکز بر متهمان مرد، ۱۱٪ از قربانیان در بستر خانواده کشته شدند. با توجه به اینکه وقتی زنان مرتکب قتل می‌شوند، تحقیقات در طول زمان و میان فرهنگ‌ها نشان می‌دهد که قربانیان اغلب از خانواده هستند، نسبت بیشتری از متهمان زن در این زمینه انتظار می‌رفت (Eckhardt and Pridemore, ۲۰۰۹; Jensen, ۲۰۰۱; Mann, ۱۹۹۶).

جدول ۲: تعداد و توزیع حضور شاخص‌های ۱ و ۲ در قتل زنان و دختران در کانادا ۲۰۱۸ (تعداد کل: ۱۳۹)

انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت	نمونه کل ۱۳۹ (نفر)	توزیع در نمونه کل	نمونه فقط مرد متهم (۱۳۷ نفر)	توزیع در نمونه متهم
زنان و دختران کشته‌شده به‌دست شریک عاطفی	۶۸	۴۹٪	۶۷	۴۹٪
زنان و دختران کشته‌شده به‌دست اعضای خانواده	۲۳	۱۷٪	۱۵	۱۱٪

اطلاعات مربوط به رابطه قربانی‌متهم برای ۳۰ قربانی در کل نمونه وجود نداشت.

شاخص ۳: سابقه قبلی آزار یا خشونت

سابقه قبلی آزار یا خشونت در مورد قربانیانی صدق می‌کند که پیشینه خشونت فیزیکی، جنسی و روانی یا آزار و اذیت توسط قاتل آن‌ها قبل از زن‌کشی وجود داشته است. طبق چهارچوب سازمان ملل، این متغیر در مورد قربانیانی اعمال می‌شود که: ۱. پیش‌تر خشونت جسمی، جنسی یا روانی توسط عامل قتل را به مقامات ذی‌صلاح گزارش کرده‌اند؛ ۲. مقامات چنین شواهدی را از راه‌های دیگر و نه مستقیماً از قربانی، از جمله دستورات حفاظتی و بازدارندگی (دستوراتی که توسط قربانی درخواست شده یا توسط مقامات مربوطه به قربانی داده شده) به دست آورده‌اند (UNODC and UNEGEW, ۲۰۲۲: ۱۳).

در بسط این تعریف، پروتکل خشونت فیزیکی را این‌طور مفهوم‌سازی می‌کند:

هر عملی که به بدن آسیب برساند یا صدمه بزند، هرچند اثر یا نشانه‌ای روی بدن ایجاد نشود. این نوع خشونت ضربه به هر قسمتی از بدن، اعم از اینکه اثری بر جای بگذارد یا نه، هل دادن، صدمات داخلی و خارجی، کشیدن مو و... را شامل می‌شود (Sarmiento, et al., ۲۰۱۴: ۴۸).

خشونت جنسی در معنای وسیع آن ... هر عمل جنسی را شامل می‌شود که غیر توافقی باشد (Sarmiento et al., ۲۰۱۴: ۴۸). درنهایت، خشونت روانی عبارت است از:

هر رفتار یا ترک عمدی رفتار که از طریق تهدید، تحقیر، آزار و اذیت، درخواست اطاعت یا تسلیم، اجبار کلامی، توهین، طرد و بی‌اعتنایی یا هرگونه محدودیت دیگری در آزادی شخصی زن که موجب آسیب عاطفی یا کاهش عزت نفس او شود. خشونت روانی شامل احساس گناه، نظارت، انزوا، کنترل، دستکاری، تقاضای اطاعت یا تسلیم و تحمیل نقش خدمتگزار می‌شود. این‌ها از جمله مواردی است که باعث آسیب می‌شود یا تصمیم‌گیری متکی بر خود را ضعیف می‌کند (Sarmiento et al., ۲۰۱۴: ۴۸).

در کل نمونه، با تمرکز بر ۱۵۶ قربانی که متهم آن‌ها شناسایی شده بود، ۲۱٪ سابقه خشونت قبلی قاتلان علیه خود را داشتند. با تمرکز بر متهمان مرد، ۲۳٪ سابقه چنین خشونتی داشتند (ر.ک: جول ۳).

جدول ۳: تعداد و توزیع حضور شاخص ۳ تا ۱۰ در قتل زنان و دختران در کانادا، ۲۰۱۸ (تعداد کل: ۱۶۹)

انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت	نمونه کل (۱۶۹ نفر)	توزیع در نمونه کل	نمونه فقط مرد متهم (۱۳۷ نفر)	توزیع در نمونه فقط مرد متهم
سابقه قبلی آزار یا خشونت	۳۳	۲۱٪	۳۲	۲۳٪
محروم کردن غیرقانونی زن یا دختر از آزادی‌اش	۷	۴٪	۶	۴٪
استفاده از خشونت و/یا شکستن یا فلج کردن اعضای بدن	۲۶	۱۵٪	۲۵	۱۸٪
بی‌سرپناه رها کردن جسد در فضای عمومی	۲۹	۱۷٪	۲۵	۱۸٪
خشونت جنسی رخ داده پیش و/یا پس از قتل	۷	۴٪	۶	۴٪
شاغل بودن قربانی در صنعت سکس	۱	۰.۶٪	۱	۰.۷٪
جرم ناشی از نفرت با انگیزه تعصب و سوگیری علیه زنان و دختران؛	۱۴	۸٪	۱۴	۱۰٪
قربانی اشکال بهرمکشی غیرقانونی شدن	-	-	-	-

کل نمونه مورد تجزیه و تحلیل برای این متغیر ۱۵۶ نفر بود. زیرا متهم ۱۳ قربانی ناشناس بود.

شاخص ۴: محروم کردن غیرقانونی زن یا دختر از آزادی‌اش

بر اساس چهارچوب آماری سازمان ملل، این متغیر:

زمانی قابل اعمال است که شواهدی وجود داشته باشد که نشان دهد قربانی قبل از قتل به‌طور غیرقانونی، برخلاف میل خود، زندانی، مخفی یا حبس شده است. این بدان معناست که قربانی محبوس شده، به‌شیوه غیرقانونی زندانی شده، ربوده شده یا از آزادی خود به هر طریقی محروم شده است (UNODC and UNEGEEW, ۲۰۲۲: ۱۳).

در سال ۲۰۱۸، ۷ قربانی در کل نمونه و ۶ قربانی در نمونه‌ای متهمشان فقط مردان بودند، شامل قربانیانی بودند که به‌طور غیرقانونی از آزادی خود محروم شده بودند.

شاخص ۵: استفاده از خشونت و/ یا شکستن یا فلج کردن اعضای بدن

این شاخص که در چهارچوب سازمان ملل از آن با عنوان «قتل همراه با جرح بدن» یاد می‌شود، برای موقعیت‌هایی به کار می‌رود که

آثار شکستگی روی بدن یا به‌طور کلی نشانه‌هایی از خشونت تحقیرآمیز در بدن وجود دارد که فراتر از میزان مورد نیاز برای پایان دادن به زندگی قربانی است. این مورد استفاده از یک یا چند ابزار برای رخ دادن تجاوز فیزیکی (به‌عنوان مثال ضربه‌های شدید ناشی از دست یا اشیاء) و به دنبال آن ضربه چاقو، استفاده از زور و خفه کردن، استفاده از چاقو و تفنگ را شامل می‌شود. یکی از معیارهای زیر باید پس از کالبدشکافی محرز شود تا مشخص شود آیا قتل با جرح بدن همراه بوده است یا خیر: بدن دارای آثار جرح یا شکستگی اندام باشد؛ روی بدن علائم حذف اندام وجود داشته باشد؛ روی بدن شواهدی از رفتار تحقیرآمیز مشاهده شود؛ روی بدن علائم شکنجه مشهود باشد؛ نشانه‌های دیگری از بدرفتاری بیش از حد روی بدن وجود داشته باشد (UNODC and UNEGEW, ۲۰۲۲: ۱۳).

«رصدخانه زن‌کشی کانادا برای عدالت و مسئولیت» به گزارش‌های کالبدشکافی دسترسی مستقیم ندارد؛ اما از اسناد رسانه‌ای و دادگاهی که نتایج کالبدشکافی را گزارش می‌کنند، بهره می‌گیرد. به‌علاوه، این متغیر ممکن است کمتر شمارش شود؛ زیرا بر پایه اطلاعاتی است که اشخاص ثالث ارائه می‌دهند. در این مقاله، وجود این شاخص را با ارجاع به یافته‌های خشونت بیش از حد، ضرب و جرح، و استفاده از ترکیبی از چند روش تعیین کردیم.^{۱۲} در نمونه کل سال ۲۰۱۸، ۲۶ نفر از قربانیان خشونت بیش از حد یا ترکیبی از چند روش را تجربه کرده بودند. تعداد ۲۵ نفر از آنان نیز قربانی قتل‌هایی بودند که متهمشان مرد بود.

شاخص ۶: بی‌سرپناه رها کردن جسد در فضای عمومی

این شاخص عبارت است از:

مواردی که بدن بدون پوشش یک قربانی زن، بی‌پناه و/ یا نیمه پوشیده یا کاملاً پوشیده از صحنه جرم انتقال داده شده و عمداً در یک منطقه باز قرار گرفته است. این منطقه ممکن است شامل موارد زیر باشد اما محدود به این‌ها نیست: خیابان‌ها، بازارها، مناطق مسکونی، حمل‌ونقل عمومی، مؤسسات عمومی مانند مدارس یا سایر مؤسسات، مراکز تجاری، مراکز مراقبت سازمانی یا سایر مناطق باز.

در سال ۲۰۱۸، ۲۹ قربانی (۱۷٪) در نمونه کل و ۲۵ قربانی (۱۸٪) در نمونه‌ای که فقط مردان متهمشان بودند، پس از کشته شدن، بی‌سرپناه در معرض عموم رها شدند.

Crawford et al., پژوهش‌های قبلی در مورد زن‌کشی در انتاریو به گزارش کالبدشکافی دسترسی داشتند (برای نمونه، ر.ک: ^{۱۲} Dawson and Gartner, ۱۹۹۸; Gartner et al., ۱۹۹۹).

شاخص ۷: خشونت جنسی رخ داده پیش و/ یا پس از قتل

موقعیت‌هایی که مشمول این شاخص می‌شوند، عبارت‌اند از:

موقعیت‌هایی که معاینه پزشکی قانونی از بدن قربانی نشان می‌دهد که مقتول، حین یا بعد از قتل مورد خشونت جنسی واقع شده است. این شاخص ممکن است علاوه بر شواهد فیزیکی از تجاوز جنسی به بدن قربانی، وجود مواد بیولوژیکی (DNA) خارجی در بدن قربانی را نیز شامل شود.

پروتکل همچنین مثال‌هایی را در بر می‌گیرد از قبیل:

خشونت شدید در اندام‌های تناسلی و نواحی از نظر جنسی معنادار برای مرتکب، نشانه‌های رفتار جنسی مستقیم (نشان دادن ارتکاب تجاوز جنسی، اثبات مستقیم و همچنین موارد مورد نیاز از طریق DNA/تحلیل)، و نشانه‌های مربوط به فانتزی‌های جنسی (موقعیت‌های کنترل، تسلیم، شکنجه و تحقیر) و وضعیتی که بدن زن بعد از قتل در آن باقی مانده است (Sarmiento et al., ۲۰۱۴: ۸۱).

در سال ۲۰۱۸، ۷ قربانی (۴٪) در نمونه کل و ۶ قربانی (۴٪) از میان نمونه‌ای که متهمانشان فقط مرد بودند، با برخی از اشکال خشونت جنسی مواجه بوده‌اند.

شاخص ۸: شاغل بودن قربانی در صنعت سکس

این متغیر

به وضعیتی اشاره دارد که زنی که در صنعت سکس کار می‌کند، قربانی قتل عمد واقع می‌شود. این متغیر در تمام موقعیت‌هایی کاربرد دارد که در آن زنی به‌دست مقامات قضایی کیفری یا سایر مقامات شناخته‌شده به قتل می‌رسد که قبلاً در تجارت جنسی شرکت داشته است؛ صرف‌نظر از اینکه آیا این کار در آن حوزه قضایی جرم‌انگاری شده است یا خیر (۱۵-۱۴: UNODC and UNEGEEW, ۲۰۲۲).

در نمونه سال ۲۰۱۸، طبق گزارش‌ها فقط یک قربانی در صنعت سکس کار می‌کرده است؛ البته یادآوری این نکته نیز ضروری است که چنین شغلی ممکن است همیشه شناخته یا گزارش نشود.

شاخص ۹: جرم ناشی از نفرت با انگیزه تعصب و سوگیری علیه زنان و دختران

چهارچوب سازمان ملل این‌گونه از زن‌کشی را با این عنوان معرفی می‌کند:

آن نوع زن‌کشی که توسط مجرمانی واقع شده‌اند که از تفرشان انگیزه گرفته‌اند؛ به این معنی که مرتکب عمداً زنی را به‌دلیل زن‌ستیزی یا سوگیری علیه این گروه از افراد هدف قتل قرار می‌دهد. چنین جنایاتی ممکن است به‌دلیل دشمنی مستقیم با قربانی انجام شود یا نشود؛ اما جنایات ناشی از نفرت نشان‌دهنده دشمنی با گروه یا اجتماعی است که قربانی به آن تعلق دارد. پیامی که مجرم منتقل می‌کند، چه عمدی چه سهوی، سیگنالی را نه‌تنها به فرد قربانی، بلکه به سایر افرادی نیز می‌فرستد که احساس می‌کنند در معرض خطر برچسب زدن و رفتار مانند قربانی هستند. نشانه‌های جنایت ناشی از نفرت را می‌توان با شیوه‌های خاص یا زمینه قتل تشخیص داد (UNODC and UNEGEEW, ۲۰۲۲): (۱۳)

در نمونه سال ۲۰۱۸، قتل ۱۴ قربانی نوعی از خشونت را در بر می‌گرفت که با انگیزه سوگیری یا نفرت انجام شده بود و متهم تمام آن‌ها نیز مردان بودند. این موضوع مستند شده که یک قتل دسته‌جمعی که به

مرگ ۹ زن و ۲ مرد منجر شد، به دست شخصی انجام گرفت که انگیزه‌اش نفرت از زنان یا زن‌ستیزی بود. او از خرده‌فرهنگ آنلین مردان «اینسل»^{۱۳} الهام گرفته بود که در امر سرخوردگی جنسی و نفرت از زنان متحد شده بودند. با وجود این، چیزی که معمولاً نادیده گرفته می‌شود، این است که نفرت ناشی از سوگیری علیه زنان و دختران اغلب در موارد کمتر شناخته شده وجود دارد؛ همان‌طور که در کادر متنی ۱ و ۲ نیز نشان داده شده است.

کادر متنی ۱

مجرم و قربانی، که مادر مسننش بود، با هم زندگی می‌کردند. او و همسر عرفی‌اش^{۱۴} مسئول مراقبت روزانه از مادرش بودند؛ زیرا وضعیت سلامت او به طرز چشمگیری رو به وخامت بود. طبق گزارش‌ها در ماه‌های پایانی زندگی و نزدیک به فوت مادر، مجرم او را بابت شکست‌های خودش سرزنش می‌کرد و هر روز بیشتر از دیروز ناراحتی‌های خودش را با حمله لفظی و فیزیکی به مادرش، بر سر مادرش خالی می‌کرد. در یک حادثه، همسر عرفی مجرم شاهد بود که او بر سر قربانی (مادرش) فریاد می‌زد، کتکش می‌زد و موهایش را می‌کشید. بارها مجرم قربانی را کتک می‌زد یا شیئی به سمت او پرتاب می‌کرد که باعث جراحت به خود قربانی یا صدمه به خانه‌اش می‌شد. خشونت در ماه‌های منتهی به زن‌کشی، با شدت ادامه داشت. در روز مرگ قربانی، مجرم همسر عرفی‌اش را با سیم جاروبرقی کتک زد. او همچنین یک کوزه شیشه‌ای را به صورت همسرش کوبید و زخمی بر جای گذاشت که به بخیه‌های متعدد نیاز داشت. گزارش شده که او همچنین علیه همسر عرفی‌اش آزار عاطفی و جسمی مرتکب شده، به این دلیل که معتقد بوده او خیانت کرده است. بعد از این واقعه، مجرم و مادرش به طبقه بالا رفتند و آنجا درحالی‌که مادر در وان حمام بود، مجرم او را کتک زد. سپس او را از وان به بیرون پرت کرد و به کتک‌زدنش ادامه داد و به کمرش لگد زد. مجرم در حین حمله، حرف‌های تحقیرآمیز می‌زد از جمله: «تو زندگی من را نابود کردی»، «فاحشه تنبل لعنتی»، «خودت می‌خواهی بمیری. بمیر لعنتی». سپس شروع کرد به پرسه‌زدن دور خانه، قبل از اینکه ادامه دهد به کتک‌زدن وحشیانه مادرش که روی زمین افتاده بود و در حالت نیمه‌هشیار به سر می‌برد. جسد قربانی ۲ روز در منزل مجرم ماند و سپس به بیمارستان منتقل شد. قربانی بر اثر شدت جراحات متعدد، که لگد مجرم به کمرش محتمل‌ترین علت بود، جان خود را از دست داد. مجرم ابتدا به قتل درجه یک متهم شد، اما به قتل درجه دوم اعتراف کرد. این مورد، که دربرگیرنده زمینه خانوادگی است، نشان می‌دهد که چگونه «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» ممکن است با هم و به صورت ترکیبی وجود داشته باشند، از جمله پیشینه خشونت و آزار و اذیت همراه با نفرت آشکار او از زنان.

کادر متنی ۲

در این مثال، قربانی و مجرم زمانی که زن‌کشی اتفاق افتاد، چند ماه بود که جدا شده بودند. اما تنها نقطه اشتراک و اتصالشان دخترشان بود و به‌تناوب بر سر نگهداری از او، حضانتش و مسائل مالی‌اش با هم مشاجره می‌کردند. مجرم، سابقه خشونت علیه زنان داشت از جمله سابقه محکومیت بابت تجاوز به زنی دیگر و گرفتن مرخصی مشروط به مدت یک

(مخفف «تجرد ناخواسته» است و عمدتاً شبکه‌های مجازی مردانی را توصیف می‌کند که در incel. اصطلاح «اینسل»^{۱۳}) برقراری روابط عاطفی با زنان شکست می‌خورند، این شبکه‌ها به محیطی آماده برای ترویج و اشتراک ایدئولوژی‌های عمیقاً زن‌ستیز تبدیل شده است. کسانی که در مورد اینسل‌ها پژوهش کرده‌اند، نشان می‌دهند که اینسل یک ایدئولوژی سیاسی خشونت‌آمیز است که براساس موج جدیدی از زن‌ستیزی و برتری سفیدپوستان بنا شده است. به همسری گفته می‌شود که ازدواج رسمی و قانونی (شهروندی یا دینی و مذهبی) نکرده‌اند؛ اما به‌شیوه عرفی common-law wife^{۱۴} و غیررسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند و زندگی مشترکی حداقل به مدت ۲ یا ۳ سال داشته‌اند. (م)

سال. در رابطه فعلی‌اش با قربانی زن‌کشی، شواهدی مبنی‌بر خشونت‌های قبلی علیه قربانی وجود داشت از جمله دعوای دائمی، خشونت کلامی، آثار کبودی، لگد زدن، هل دادن، آثار پرت کردن اشیاء روی دیوارهای خانه‌شان و مواردی که مجرم بدهی زیادی به بار آورده و از نظر مالی به فرزندش بی‌توجهی کرده بود. قربانی پیش‌تر حمله‌های مجرم را نادیده می‌گرفت تا دوباره به زندگی مشترک برگردند؛ اما رفتار سوءاستفاده‌گرانه قربانی پس از جدایی نیز ادامه یافت از جمله دروغ گفتن درباره سرطمان داشتن، خودداری از پرداخت نفقه فرزند، کنترل کردن محل زندگی قربانی و سرزده به خانه قربانی رفتن. ظاهراً ۷ ماه پیش از وقوع زن‌کشی، قربانی به همراه دخترش به ایالت دیگری نقل مکان کرده و رابطه با مرد دیگری را شروع کرد که همراه او و فرزندش نقل مکان کرد. طبق گزارش‌ها، این موضوع حسادت مجرم و نفرتش از قربانی را برانگیخت. چون نمی‌توانست پس‌زده شدن و کاهش نقشش در زندگی فرزندش را تحمل کند. چهار ماه پیش از وقوع زن‌کشی، قربانی دادخواستی مبنی‌بر حضانت و حمایت فرزندش به‌تنهایی، ارائه داد. رأی نهایی دادگاه به مجرم اجازه داد با دخترش در استانی که در آن زندگی می‌کند، وقت بگذراند. در شب پیش از زن‌کشی، مجرم به محل اقامت اعلام‌نشده قربانی، که با شریک جدیدش در آنجا زندگی می‌کرد، رسید تا ظاهراً بدهی‌اش را به قربانی بپردازد. او یک شب در محل اقامت قربانی ماند و روز بعد، به‌دنبال قربانی در محل کارش رفت تا باهم به بانک بروند؛ اما به‌جای رفتن به بانک، جاده‌ها را با سرعت پشت سر می‌گذاشت تا اینکه ماشین را در کنار جاده نگهداشت و روی صندوق ماشین نشست. وقتی قربانی به مجرم نزدیک شد، مجرم او را بلند کرد و به‌زور در صندوق عقب ماشینش انداخت و با او درگیر شد. در جریان درگیری، مجرم یک تفنگ ساچمه‌ای را برداشت و دو بار به قربانی شلیک کرد که به مرگ او انجامید. مجرم با جسد قربانی درون صندوق ماشینش، به ایالتی برگشت که خودش قبلاً زندگی می‌کرد. سپس به جاده‌ای فرعی در ۲۵ کیلومتری خانه قربانی رفت و جسد را آنجا بی‌سرپناه رها کرد. پس از زن‌کشی، مجرم به خفه کردن و تیراندازی به قربانی، تمایل به خودکشی و ابراز نفرت از قربانی اعتراف کرد. در یکی از اظهارات پلیس، او گفته بود که فرزند و شریک سابقش را دوست داشته، اما اگر او «نمی‌توانست آن‌ها را داشته باشد، هیچ‌کس دیگری نمی‌بایست داشته باشد». به‌علاوه، مجرم پس از زن‌کشی در طول مکالمه‌ای با دوست صمیمی قربانی، اظهار کرده بود: «ما همه می‌دانستیم که من از جرأت و شجاعتش به‌شدت متنفر بودم.» مجرم در قتل درجه اول گناهکار شناخته شد و به حبس بدون امکان آزادی مشروط به مدت ۲۵ سال محکوم شد. این پرونده نه‌تنها نفرت علیه زنان را نشان می‌دهد، بلکه حضور چندگانه «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» را نیز ثابت می‌کند از جمله: زن‌کشی شریک عاطفی، سابقه قبلی آزار یا خشونت، محروم کردن از آزادی و بی‌سرپناه رها شدن در فضای عمومی.

شاخص ۱۰: قربانی اشکال بهره‌کشی غیرقانونی شدن

متغیر «قربانی اشکال بهره‌کشی غیرقانونی شدن» در موقعیت‌هایی کاربرد دارد که «شواهدی وجود دارد مبنی‌بر اینکه قربانی قبل از قتل در معرض قاچاق انسان یا سایر اشکال استثمار مانند برده‌داری، کار اجباری یا بهره‌کشی جنسی قرار گرفته است. این شواهد زمینه‌ای را می‌توان از ثبت چنین رفتارهایی به‌عنوان جرائم جداگانه به دست آورد» (UNODC and UNEGEW, ۲۰۲۲: ۱۳).

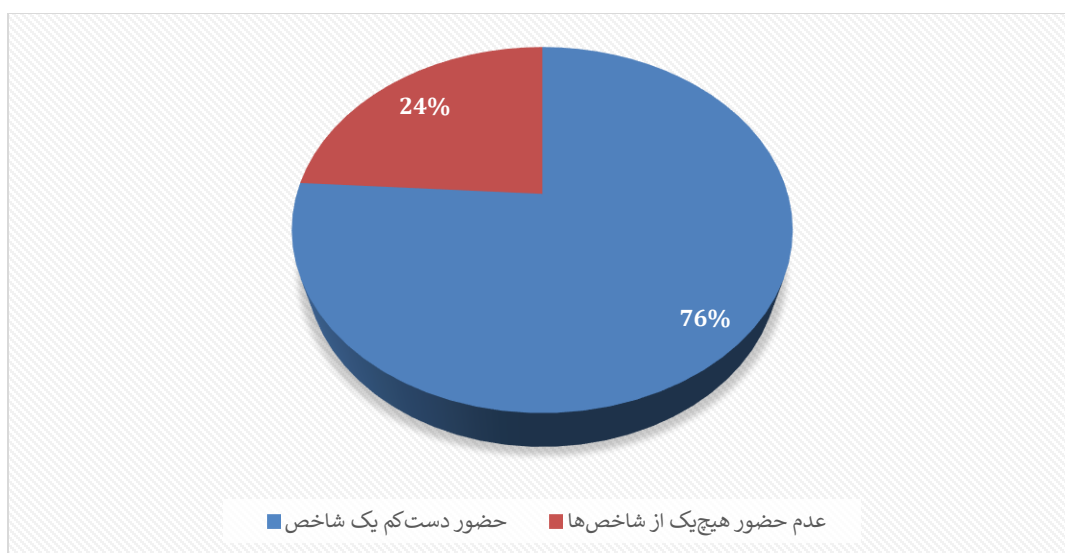
در سال ۲۰۱۸، نتوانستیم قربانی‌ای را شناسایی کنیم که این موقعیت برایش اتفاق افتاده باشد که البته چنین چیزی عجیب نیست. چراکه تمرکز تنها بر یک سال بوده و منابع داده‌ها نیز محدود بود.

۱.۴. سنخ جهانی «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت»

هدف ما در بخش پیشین این بود که آن چیزی را که «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» تعریف می‌شود، با تمرکز بر هرکدام از شاخص‌ها به‌طور جداگانه، برای زن‌کشی به‌صورت شفاف ترسیم کنیم تا آگاهی و آموزش عمومی و حرفه‌ای را افزایش دهیم. به هر حال، استدلال ما این است که درک گستره کامل «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» در کل نمونه مهم است تا بر رواج آن‌ها در قتل زنان و دختران و در نتیجه، رواج زن‌کشی تأکید شود. در صورتی که در این مورد اجماع وجود داشته باشد که کدامیک از انگیزه‌ها و شاخص‌ها برای شناسایی زن‌کشی مناسب‌تر است، این امر همچنین

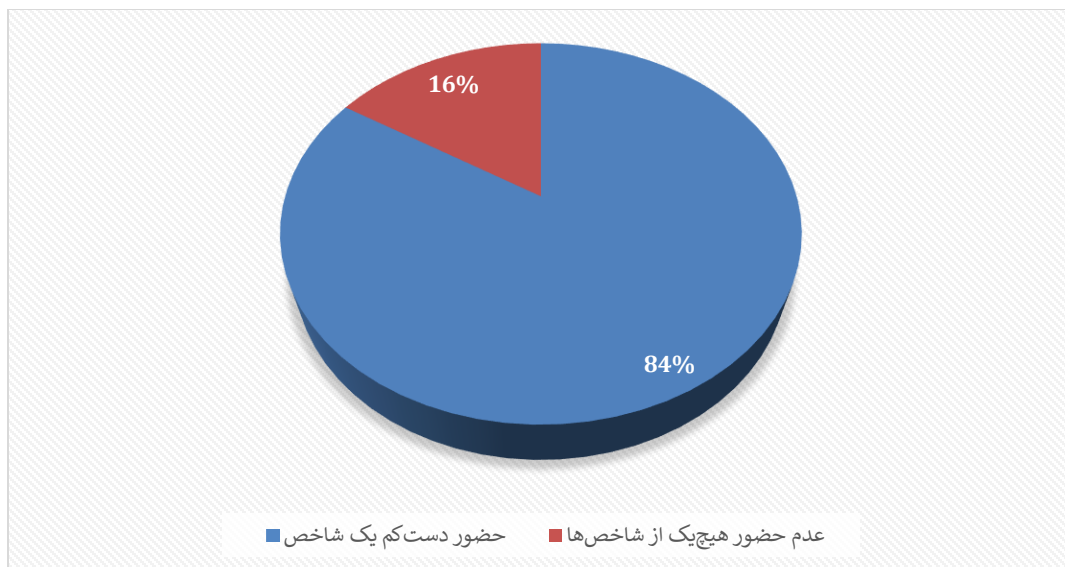
به نظارت بر تغییرات در طول زمان کمک می‌کند؛ زیرا طرح‌های پیشگیری دقیق‌تری توسعه و اجرا می‌شوند (البته امیدواریم بشوند) که به کاهش شیوع این شاخص‌ها در قتل زنان و دختران منجر می‌شود.

برای پرداختن به این سوال، فراوانی ترکیبی ۱۰ شاخص را در تمام موردهای سال ۲۰۱۸ برای نمونه کامل و سپس برای نمونه‌ای که فقط مردان متهمشان بودند، بررسی کردیم. برای نمونه کامل (۱۶۹ نفر)، دست‌کم یک شاخص در قتل اندکی بیش از سه‌چهارم قربانیان (۱۲۸ نفر، ۷۶٪) حضور داشت که در نمودار ۱ نشان داده شده است. یادآوری این نکته ضروری است که نمونه کامل قربانیانی را نیز شامل می‌شود که قاتلان آنها هنوز شناسایی نشده‌اند یا پرونده آنها حل نشده باقی مانده است، زیرا شرایط قتل آنها (مانند خشونت بیش از حد، خشونت جنسی) ممکن است همچنان شواهدی از شاخص‌های نشان‌دهنده زن‌کشی را داشته باشد. برای نمونه‌هایی که فقط مردان متهم بوده‌اند (۱۳۷ نفر)، ۱۱۵ قربانی (یا ۸۴٪) دست‌کم با یکی از شاخص‌ها مواجه بوده‌اند (نمودار ۲ را ببینید).



نمودار ۱: توزیع درصد حضور «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» در قتل زنان و دختران در کانادا در سال ۲۰۱۸

(تعداد کل: ۱۶۹)



نمودار ۲: توزیع درصد حضور «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» در قتل زنان و دختران در نمونه فقط مرد متهم در کانادا در سال ۲۰۱۸ (تعداد: ۱۳۷)

ممکن است چنین گفته شود که زن‌کشی شریک عاطفی و زن‌کشی خانوادگی به‌صورت اتوماتیک قتل‌های مرتبط با جنس و جنسیت نیستند. اما از آنجاکه بسیار محتمل است چنین باشد، دهه‌ها تحقیق در سرتاسر جهان ویژگی‌های این موارد را مستند کرده و از گنجاندن آن‌ها در چهارچوب آماری سازمان ملل حمایت می‌کند. با وجود این، برای در امان ماندن از این انتقاد احتمالی مبنی بر اینکه گنجاندن این دو شاخص میزان جهانی شاخص‌ها را افزایش می‌دهد، ما حضور شاخص‌ها را بدون این دو زمینه ارتباطی اول بررسی کردیم و بر ۸ شاخص باقی‌مانده تمرکز کردیم. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در قتل ۷۹ نفر از ۱۱۵ قربانی (۵۸٪ از نمونه)، دست‌کم یک شاخص حضور داشته است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه، در حد وسع دانش ما، اولین کاربرد چهارچوب آماری در مورد قتل‌های مرتبط با جنسیت زنان و دختران (زن‌کشی، زن‌کشی نهادی‌شده) است. نتایج این پژوهش که با استفاده از نمونه‌ای از یک کشور و منابع داده در دسترس عموم انجام شد، از چهارچوب آماری پشتیبانی می‌کند. به‌طور مشخص، برای ۷۶٪ از قربانیان کشته‌شده در نمونه کامل که شامل متهمان زن هم می‌شد و نیز برای ۸۴٪ از قربانیانی که متهمانشان فقط مرد بودند، شواهدی از حضور دست‌کم یک شاخص مرتبط با جنسیت یافتیم. با توجه به اینکه تمرکز ما فقط بر یک سال و نیز منابع داده عمومی بود، استدلال ما این است که یافته‌های پژوهش حاضر حمایت قوی از کاربرد چهارچوب آماری را نشان می‌دهد. با وجود منابع داده‌های دقیق‌تر، از جمله گزارش‌های رسمی پلیس و پزشکی قانونی، احتمالاً شیوع «انگیزه‌ها و شاخص‌های مرتبط با جنس و جنسیت» بسیار بیشتر خواهد شد. به هر حال، چالش‌هایی باقی می‌مانند که مانع از پیشرفت در پیشگیری از خشونت می‌شود که باید یکی از اهداف کلیدی گردآوری داده‌ها و قطعاً هدف اصلی هر چهارچوب آماری باشد. در ادامه، دو مورد از این چالش‌ها را با جزئیات بیشتری شرح می‌دهیم:

نخستین چالش فقدان داده‌های اولیه نشان‌دهنده زن‌کشی در سطح فردی است. تعداد ۱۰ متغیر موجود در چهارچوب آماری شاخص‌های احتمالی زن‌کشی را سطحی بررسی می‌کند. این متغیرها، همان‌طور که نویسندگان چهارچوب اشاره کردند، بر مواردی تمرکز می‌کند که بیشترین توافق را در تحقیقات و از طریق مشاوره‌های تخصصی به دست آورده‌اند.

صرف‌نظر از این موضوع، اکثر کشورها، چه کشورهای با درآمد بالا و چه کشورهای با درآمد متوسط و کم، هنوز قادر به دسترسی و/یا گردآوری چنین داده‌هایی نیستند. کشور کانادا نیز که این تحقیق در آنجا انجام شده است، از این قاعده مستثنی نیست. برای نشان دادن این موضوع، در سال ۲۰۲۳، مرکز آمار کانادا اولین نشریه خود را با تمرکز بر قتل مرتبط با جنسیت زنان و دختران در کانادا منتشر کرد که ۴ شاخص از ۱۰ شاخص در چهارچوب سازمان ملل را شامل می‌شد: «شریک جنسی یا عضو خانواده، اعمال خشونت جنسی بر قربانی به‌عنوان بخشی از قتل، قتل زن یا دختری که کارگر جنسی معرفی شده بود» (Sutton, ۲۰۲۳: ۴). آن‌ها گزارش دادند که به‌علت شکاف داده‌ها، نمی‌توانند هیچ‌یک از متغیرهای دیگر (برای مثال خشونت قبلی یا رها کردن جسد بی‌پناه قربانی در مکان عمومی) را به لیست بیفزایند. ممکن است برخی استدلال کنند که این موضوع به این دلیل است که داده‌های اداری آن‌ها با تکیه بر گزارش‌های پلیس است و سایر منابع داده ممکن است به دسترسی بهتر داده‌ها منجر شود. اما طبق نتایج پژوهش انتاریو، کانادا، داوزون و کاریگان (۲۰۲۱)، داده‌ها از پرونده‌های پزشکی قانونی، پلیس، پرونده‌های وکالت و همچنین اسناد رسانه‌ها و دادگاه استخراج شد و حتی با این مثلث‌بندی دقیق منابع داده، نتایج آن‌ها زمینه‌های مهم بسیاری را نشان داد؛ از جمله اینکه عوامل مربوط به زن‌کشی به‌طور منظم یا معمول جمع‌آوری نشده است. در مورد متغیرهای دیگر، نسبت زیادی از داده‌های از دست‌رفته وجود داشت. داده‌های از دست‌رفته مشکلی است که محققان قتل در طول زمان و در سراسر کشورها با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند، درحالی‌که قتل یکی از شکل‌های خشونت است که بهتر از سایر اشکال خشونت مستند شده است (Riedel and Regoeczi, ۲۰۰۴). وضعیت زن‌کشی به احتمال زیاد تشدید می‌شود؛ زیرا ابزارهای نوین گردآوری داده‌ها از نظر تاریخی برای ثبت قتل‌های مکرری طراحی شده‌اند که قاتل و مقتول هر دو مردند (Dawson and Carrigan, ۲۰۲۱). تلاش‌های گسترده‌ای برای بازطراحی ابزار مورد نیاز است؛ اما اراده سیاسی برای انجام این کار تاکنون در کانادا و در سطح جهانی وجود نداشته است. چنین تلاش‌هایی باید از تأکید بر عوامل در سطح فردی فراتر باشد تا برای پیشگیری از خشونت و داده‌ها در سطح گسترده، به‌ویژه برای زنان و دخترانی که در معرض خطر هستند، فوایدی در بر داشته باشد.

۲. تأکید بر فرد نقش اجتماع و جامعه را کم‌رنگ می‌کند

چالش دوم هنگام جمع‌آوری داده‌های نشان‌دهنده زن‌کشی، نامرئی بودن تقریباً کامل شاخص‌های سطح اجتماع و جامعه (برای مثال فقدان دسترسی به خدمات یا نگرش‌های جنسی و هنجارهای جنسیتی) است. این موضوع مشخص شده است که هیچ عامل واحدی در ایجاد خشونت وجود ندارد و متغیرها، چه در سطوح مشابه و چه در سطوح مختلف، برای افزایش یا کاهش خطر یا قرار گرفتن در معرض خشونت، در تعامل‌اند (به‌عبارت دیگر، مدل اکولوژیکی اجتماعی؛ Heise, ۱۹۹۸). این عوامل فردی، رابطه، اجتماع و سطح اجتماعی ممکن است به‌طور جداگانه و ترکیبی، به‌طور متفاوتی از برخی گروه‌های زنان و دختران در برابر زن‌کشی محافظت کرده یا خطر زن‌کشی را تشدید کند (به‌عبارت دیگر تقاطع؛ Hill, ۱۹۹۱; Crenshaw, ۲۰۱۶). برای مثال، زنان و دخترانی که بومی‌اند یا به اقلیت‌های نژادی تعلق دارند، در مناطق روستایی و دورافتاده زندگی می‌کنند، فقیرند و/یا با معلولیت زندگی می‌کنند، اغلب بیش از زنان و دختران دیگر در معرض خطر خشونت مردانه، از جمله زن‌کشی قرار دارند. با وجود این، ویژگی‌های

فردی دختران و زنان یا حتی صرف رابطه آنان با مردان نیست که آن‌ها را در برابر خشونت آسیب‌پذیر می‌کند؛ بلکه اجتماع و/یا واکنش‌های اجتماعی به ویژگی‌های آنان یا تلاش‌های کمک‌جویانه در صورت وقوع خشونت است که به حاشیه‌ای شدن، آسیب‌پذیری و افزایش خطر خشونت علیه زنان و دختران کمک می‌کند. ویژگی‌های فردی و عوامل رابطه‌ای در تشدید خشونت نقش دارند؛ اما معمولاً به خودی خود نقش ایفا نمی‌کنند. زیرا افراد نمی‌توانند از اجتماع و/یا جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، از جمله فرایندهای ساختاری اجتماعی و تعاملاتی که در نتیجه آن فرایندها ایجاد می‌شوند و عمل می‌کنند، جدا شوند. با این حال، عوامل سطح اجتماعی (مانند جنسیت‌گرایی، نژادپرستی، طبقه‌گرایی، توانایی‌گرایی، همجنس‌گراهراسی و ترنس‌هراسی) همچنان در تلاش‌های رسمی و احتمالاً بیشتر جمع‌آوری داده‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

تأکید بر عوامل سطح فردی یا رابطه‌ای در پژوهش‌های با موضوع خشونت در طول زمان و سراسر جهان به چشم می‌خورد. این امر تاحدی به این علت رخ داده است که عوامل سطح فردی، در مقایسه با عوامل سطح اجتماعی، آسان‌تر سنجیده می‌شوند و داده‌های مربوط به این سطح نیز راحت‌تر گردآوری می‌شوند. در مقابل، چگونه می‌توان جنسیت‌گرایی، نژادگرایی و طبقه‌گرایی را در تعاملات سطح اجتماعی با داده‌های در دسترس سنجید؟ پژوهشگران چگونه می‌توانند توانایی‌گرایی، همجنس‌گراهراسی و ترنس‌هراسی را در فرایندهای سطح اجتماعی بسنجند؟ تا زمانی که به این شکاف‌های مهم توجه نکنیم، ابتکار عمل پیشگیری دقیق‌تر برای بیشتر زنان و دخترانی که خشونت مردانه را تجربه می‌کنند، به‌ویژه آن‌هایی که در معرض بیشترین خطر هستند، اغفال‌کننده خواهد بود. موانع انجام این کار بسیار گسترده و پیچیده‌اند و نیازمند ارتباطات، مشارکت و همکاری بین افراد، بخش‌ها و دولت‌ها هستند؛ اما همان‌طور که در ادامه بحث خواهیم کرد، مکانیسم‌هایی برای انجام این کار در دسترس است.

آسیب، از جمله خشونت، مشکل بهداشت عمومی مهمی در سطح جهانی شناخته شده و کانون اصلی تلاش‌های سازمان بهداشت جهانی است. چهارچوب بهداشت عمومی همراه تشخیص داده است که پیشگیری مستلزم درک ماهیت و شرایطی است که تحت آن آسیب و خشونت با استفاده از دیدگاه‌ها و تخصص افراد در بخش‌ها و رشته‌های مختلف رخ می‌دهد. مکانیسم‌های تاریخی و معاصر برای دستیابی به این درک، تحقیقات پزشکی یا قانونی مرگ بوده‌اند که در بسیاری از کشورها، ساختارهای نهادی تأسیس شده‌اند که به دنبال تعیین علت و شرایط مرگ در زمینه‌های خاص، از جمله خشونت‌اند. اطلاعات به‌دست‌آمده از این تحقیقات تا حد زیادی ظرفیت نظارت بر آسیب در سطح جمعیت را فراهم کرده است. در برخی از حوزه‌های قضایی، این تحقیقات همچنین توصیه‌هایی ارائه می‌دهند که می‌تواند مستقیماً به پیشگیری از آسیب کمک کند. این تحقیقات در طول زمان، برای رسیدگی به مرگ کودکان و اخیراً مرگ‌های ناشی از خشونت خانگی تکامل یافته است. مورد اخیر معمولاً «کمیتۀ بررسی مرگ بر اثر خشونت خانگی» شناخته می‌شود که اکنون به اشکال مختلف دست‌کم در شش کشور پردرآمد وجود دارد (Dawson, ۲۰۱۷, ۲۰۲۱).

در مقاله‌ای زمینه‌ای که به‌تازگی منتشر شده است (UNODC, ۲۰۲۳)، ظرفیت این مکانیسم‌ها، همراه با ظهور رصدخانه‌ها یا دیده‌بان‌های زن‌کشی، به‌عنوان یکی از راه‌های بهبود داده‌های مستند زن‌کشی و به‌نوبه خود، توسعه مداخلات و اقدامات پیشگیری مناسب‌تر بررسی شد. نویسندگان این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که چنین بررسی‌هایی همچنین این ظرفیت را دارد که از تمرکز محدود بر قربانیان و مجرمان فردی و روابط آن‌ها و همچنین پاسخ‌های عدالت کیفری، به نقش گسترده‌تر همه سازمان‌ها و جوامع از جمله تعهدات دولتی و هنجارهای سطح اجتماعی، با تأکید بر هماهنگی چندبخشی و پاسخ‌های پیشگیرانه کل کشور، تغییر جهت دهد. توصیه این مقاله با دیدگاه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره خشونت علیه زنان که در نقل‌قول

ابتدای این مقاله نشان داده شد، همسو است که ظرفیت پانل‌های بررسی بین‌رشته‌ای را برای کمک به دیده‌بان‌ها یا رصدخانه‌های موجود یا آینده‌زن‌کشی در مجموعه و تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به زن‌کشی شناسایی کرده است (۱: ۲۰۱۷، ACUNS). اگر داده‌های دقیق، دفاعی در برابر زن‌کشی باشد، ظرفیت چنین مکانیسم‌هایی برای فراهم کردن راه‌هایی برای پیشگیری بهتر از زن‌کشی بسیار مهم است.

مناقشات بر سر اینکه زن‌کشی چگونه باید تعریف و سنجیده شود، بدون شک ادامه دارد. اما هدف مشترک فراتر رفتن از موقعیتی است که در آن جنس و جنسیت تا حد زیادی در ابزار گردآوری داده‌ها نامرئی است. البته این هدف تا حدودی محقق شده است. براساس پژوهش والبی^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۷)، دو رویکرد برای افزایش حضور و مرئی بودن جنس و جنسیت در داده‌ها و متعاقباً در قوانین و سیاست‌های ایالتی وجود دارد: رویکرد اول تمرکز بر زنان با هدف پایان دادن به خشونت‌ها علیه حقوق انسانی زنان و خشونت مبتنی بر جنس و جنسیت علیه زنان است. رویکرد دیگر «جریان‌سازی جنسیتی» نامیده می‌شود که «ویژگی‌های جنسیتی را با تفکیک جنسیت و بازنگری دسته‌ها برای گنجاندن کامل ابعاد جنسیتی مشاهده‌پذیر می‌سازد». پنج بعد کلیدی که در تحقیق والبی و همکاران (۲۰۱۷) شناسایی شده، عبارت‌اند از: جنس قربانی، جنس متهم، وجود رابطه عاطفی یا نسبت خانوادگی میان قربانی و متهم، وجود یک عنصر جنسی و وجود یک انگیزه جنسیتی.

والبی در یک تحقیق جدیدتر (۲۰۲۳)، استدلال کرده است که جنس قربانی برای شاخص جهانی بسیار مهم است و مولدترین رویکرد تغییر تفکیک جنسیتی داده‌ها در مورد انواع خشونت است:

اندازه‌گیری نتایج فقط برای زنان یا محدود کردن تعریف به قتل‌های زنان با انگیزه جنسی، در رویکرد خاص‌گرا، ظرفیت ایجاد اتحادهایی را که حرکت به سمت یک موقعیت هژمونیک را تسهیل می‌کند، کاهش می‌دهد. این امر پایان دادن به خشونت و نابرابری جنسیتی را شامل می‌شود. اما در مقابل، تفکیک جنسیتی، که ساده‌ترین و گسترده‌ترین تعریف از زن‌کشی به‌عنوان کشتار زنان را شامل می‌شود، ظرفیت بیشتری را برای جریان‌سازی نابرابری‌های متقاطع، ایجاد ائتلاف، حرکت از حاشیه به مرکز و ایجاد هژمونی جدیدی فراهم می‌کند که این نگرانی‌ها را در درک مجدد از جهان‌گرایی در بر می‌گیرد (ص ۲۳).

در بخش مقدمه، دست‌کم سه دلیل را شناسایی کردیم برای اینکه چرا باید به تعریف، اندازه‌گیری و مستندسازی زن‌کشی بپردازیم. هرکدام از دلایل ممکن است به پارامترها و شاخص‌های تعریفی متفاوتی نیاز داشته باشند. در خصوص هدف اول، با پژوهش والبی (۲۰۲۳) هم‌نظریم که جنس قربانی احتمالاً برای تولید و درک مؤثر آمار قتل زنان در داخل و بین کشورها کافی است. استدلال ما در این مقاله این است که دو هدف باقی‌مانده تنها زمانی قابل دستیابی می‌شوند که مستندسازی بهتری از «زن‌کشی» به‌طور ویژه (نه قتل زنان) صورت بگیرد و این امر به داده‌ها و اقدامات دقیق‌تری نیاز دارد. به‌طور خاص، اگر می‌خواهیم پیشگیری‌های مؤثرتری از زن‌کشی، مجازات‌های مناسب‌تری برای افزایش مسئولیت‌پذیری و نیز کاهش معافیت از مجازات تعیین کنیم، به داده‌های پیشرفته‌تر و دقیق‌تری نیازمندیم. اگر بخواهیم آگاهی و آموزش عمومی را افزایش دهیم، از جمله توسعه آموزش‌های پیشرفته برای کسانی که به خشونت مبتنی

بر جنس و جنسیت علیه زنان و دختران واکنش نشان می‌دهند، درک بهتر منظور ما از تعریف زن‌کشی به‌عنوان «کشته شدن زن یا دختری به‌دلیل زن یا دختر بودنش (جنسیتش)» ضروری است.

مهم‌تر از همه، توانایی ما برای انجام این کار برای کمک به دستیابی به هدف پنجم از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل ضروری است؛ به‌ویژه بند دوم هدف پنجم «حذف خشونت علیه زنان و دختران: از بین بردن همه اشکال خشونت علیه تمامی زنان و دختران در حوزه عمومی و خصوصی، از جمله قاچاق و استثمار جنسی و انواع دیگر». در این راستا، ایالت‌ها و دولت‌ها باید «تأکید بر پیشگیری به‌عنوان اولویت گردآوری داده‌ها به‌جای نیازهای اداری» را آغاز کنند (Dawson and Carrigan, ۲۰۲۱: ۶۸۳). برای نظارت بر روندها و الگوها وجود داده‌های دقیق بسیار مهم و ضروری است. برای برجسته کردن اولویت‌های نوظهور تحقیقاتی و سیاست‌گذاری و عملی، تقویت پیشگیری از خشونت و همچنین بهبود زندگی زنان و دختران، به داده‌های بهتر و دقیق‌تری نیاز است. دستیابی به این هدف فقط از طریق همکاری‌های قوی و پایدار میان پژوهشگران، اجتماعات و دولت‌ها حاصل می‌شود که در نهایت نیازمند «اراده سیاسی» است.

اعلام تضاد منافع:

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را با توجه به تحقیق، تألیف یا انتشار این مقاله اعلام نکردند.

تأمین مالی:

نویسندگان برای تحقیق، تألیف یا انتشار این اثر، هیچ‌گونه حمایت مالی دریافت نکردند.

References

- Academic Council on the United Nations System (ACUNS) (۲۰۱۷) Establishing a Femicide Watch in Every Country. Vienna: ACUNS
- Bisogno E, Dawson-Faber J and Jandl M (۲۰۱۵) The international classification of crime for statistical purposes: A new instrument to improve comparative criminological research. European. Journal of Criminology ۱۲(۵): ۵۳۵-۵۵۰.
- Brookman F, Maguire ER and Maguire M (۲۰۱۷) The Handbook of Homicide. Hoboken, NJ: Wiley
- Caputi J and Russell DEH (۱۹۹۲) Femicide: Sexist terrorism against women. In: Radford J and -Russell DEH (eds) Femicide: The Politics of Women Killing. New York: Twayne Publishers, pp. ۱۳-۲۱.

- Collectif Féminicides Par Compagnons ou Ex, Feminizidmap, Gatwiri K, et al. (2023) Feminicide data activism. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide. London: Routledge, pp.103-113
- Crawford M, Gartner R and Women We Honour Action Committee (1992) Woman Killing Intimate Femicide in Ontario 1978-1990. Toronto, ON, Canada: Women We Honour Action Committee
- Crawford M, Gartner R, Dawson M, et al. (1997) Woman Killing: Intimate Femicide in Ontario. Toronto, ON, Canada: Women We Honour Action Committee. 1998-1999.
- Crenshaw K (1991) Mapping the margins: Intersectionality, identity politics, and violence against women of color. Stanford Law Review 43(7): 1241-1299. 328 International Sociology 39(3)
- Dawson M (ed.) (2017) Domestic Homicides and Death Reviews: An International Perspective. London: Palgrave Macmillan
- Dawson M (2018) The Canadian femicide observatory for justice and accountability. In: Howe A and Alaatinoglu D (eds) Contesting Femicide – Feminism and the Power of Law Revisited: Essays in Honour of Carol Smart. London: Routledge, pp.88-98
- Dawson M (2021) Domestic homicide review processes as a method of learning. In: Devaney J, Bradbury-Jones C, Macy RJ, et al. (eds) International Handbook of Domestic Violence and Abuse. London: Routledge, pp.771-788
- Dawson M (2022) Considering Gender-Based Violence as a Form of Hate: A Socio-Legal Examination. Vancouver, BC, Canada: Office of the Human Rights Commissioner
- Dawson M and Carrigan M (2021) Identifying femicide locally and globally: Understanding the utility and accessibility of sex/gender-related motives and indicators. Current Sociology 69(8): 1241-1299
- Dawson M and Gartner R (1998) Differences in the characteristics of intimate femicide: The role of relationship state and relationship status. Homicide Studies 2: 378-399
- Dawson M and Mobayed Vega S (2023a) Femicide and feminicide: A growing global human rights movement. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide. London: Routledge, pp. 3-18
- Dawson M and Mobayed Vega S (eds) (2023b) The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide. London: Routledge
- Dawson M, Zecha A and Angus H (2023) Callitfemicide: Understanding Sex/Gender-Based Killings of Women and Girls 2018-2022. Guelph, ON, Canada: Centre for the Study of Social and Legal Responses to Violence

- Eckhardt K and Pridemore WA (2009) Differences in female and male involvement in lethal violence in Russia. *Journal of Criminal Justice* 37(1): 55–72
- Fairbairn J, Boyd C, Jiwani Y, et al. (2023) Changing media representations of femicide as primary prevention. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) *The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide*. London: Routledge, pp. 502–572
- Fregoso RL and Bejarano C (2010) Introduction: A cartography of femicide in the Americas. In Fregoso RL and Bejarano C (eds) *Terrorizing Women: Femicide in the Americas*. Durham, NC: Duke University Press, pp. 1–22
- Gartner R, Dawson M and Crawford M (1999) Woman killing: Intimate femicide in Ontario, 1974–1994. *Resources for Feminist Research* 27: 101–114
- Heise L (1998) Violence against women: An integrated, ecological framework. *Violence Against Women* 4(3): 262–290
- Hill Collins P and Bilge S (2016) *Intersectionality*. Malden, MA: Polity Press. Huff-Corzine L, McCutcheon JC, Corzine J, et al. (2014) Shooting for accuracy: Comparing data sources on mass murder. *Homicide Studies* 18(1): 10–122
- Illesinghe V, Ahora Que Sí Nos Ven, Femicide Watch Poland, et al. (2023) Femicide/feminicide observatories and watches. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) *The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide*. London: Routledge, pp. 112–120
- Jensen V (2001) *Why Women Kill: Homicide and Gender Equality*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers
- Lagarde de los Ríos M (2010) Preface: Feminist keys for understanding feminicide: Theoretical, political, and legal construction. In: Fregoso RL and Bejarano C (eds) *Terrorizing Women: Femicide in the Americas*. London: Duke University Press, pp.xi–xxvi
- Mann C (1996) *When Women Kill*. New York: SUNY. Mobayed Vega S (2023) A global archaeology of femi(ni)cide. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) *The Routledge International Handbook of Femicide and Feminicide*. London: Routledge, pp. 17–28
- Mujica J and Tuesta D (2014) Femicide penal response in the Americas: Indicators and the misuses of crime statistics, evidence from Peru. *International Journal of Criminology and Sociological Theory* 1(1): 1–21
- Organization of American States (2018) *Inter-American Model Law on the Prevention, Punishment and Eradication of the Gender-Related Killing of Women and Girls (Femicide/Feminicide)*. Washington, DC: Organization of American States
- Parkin WS and Gruenewald J (2017) Open-source data and the study of homicide. *Journal of Interpersonal Violence* 32(18): 2693–2723

- Radford J (1992) Introduction. In: Radford J and Russell DEH (eds) *Femicide: The Politics of Women Killing*. New York: Twayne Publishers, pp.3-10.
- Radford J and Russell DEH (1992) *Femicide: The Politics of Women Killing*. New York: Twayne Publishers
- Riedel M and Regoeczi W (2008) Missing data in homicide research. *Homicide Studies* 12(3): 163-193
- Russell DEH (2002) *Defining Femicide*. United Nations Symposium on Femicide: A Global Issue That Demands Action. Vienna, Austria
- Russell DEH and Harmes R (eds) (2001) *Femicide in Global Perspective*. New York and London: Teachers College Press
- Sarmiento CB, Acots ML, Roth F, et al. (2014) *Latin American Model Protocol for the Investigation of Gender-Related Killings of Women (Femicide/Feminicide)*. New York: United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR) and UN Women
- Shon PC and Lee J (2016) Evidence of convergent validity: A comparative analysis of sentencing verdicts and newspaper accounts of South Korean parricides. *Asian Criminology* 11(1): 1-19
- Smith MD and Zahn MA (1999) *Homicide: A Sourcebook of Social Research*. Pacific Oaks, CA: Sage
- Sutton D (2003) *Gender-Related Homicide of Women and Girls in Canada*. Ottawa, ON, Canada: Statistics Canada
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC) (2003) *Background Paper on Femicide Review Committees*. Vienna, Austria: UNODC
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC) and United Nations Equity for Gender Equality the Empowerment of Women (UNEGEEW) (2002) *Statistical Framework for Measuring the Gender-Related Killing of Women and Girls (Also Referred to as Femicide/feminicide)*. Vienna, Austria: UNODC and UN Women
- Vives-Cases C, Goicolea I, Hernandez A, et al. (2016) Expert opinions in improving femicide data collection across Europe: A concept mapping study. *PLoS ONE* 11(2): 1-14
- Walby S (2003) What is femicide? The United Nations and the measurement of progress in complex epistemic systems. *Current Sociology* 11(1): 10-27
- Walby S, Towers J, Balderston S, et al. (2017) *The Concept and Measurement of Violence Against Women and Men*. Bristol: Policy Press
- Walklate S, Fitz-Gibbon K, McCulloch J, et al. (2020) *Towards a Global Femicide Index: Counting the Costs*. London: Routledge Focus

- Weil S, Corradi C and Naudi M (Eds) (2018) *Femicide Across Europe: Theory, Research and Prevention*. London: Policy Press
- Zecha A, Abrahams N, Duhamel K, et al. (2022) Data sources and challenges in addressing femicide. In: Dawson M and Mobayed Vega S (eds) *The Routledge International Handbook of Femicide and Femicide*. London: Routledge, pp. 91-102
- Zimmerman S, Ryan L and Durie-Smith D (2018) *Recognizing the Violent Extremist Ideology of 'Incels'* (Policy Brief). Washington, DC: Women in International Security, pp. 1-8